دو نیمه در بهشت

تاریخ‌زدگی خوب است یا به‌روز بودن؟

امیر پوریا

(۱) می‌دانم که طرح این احتمال، مقادیر زیادی به «تئوری توطئه»های کم و بیش مضحک دایی‌جان ناپلئون‌وار شباهت دارد؛ ولی به‌نظرم درباره تیم‌هایی که معلوم است زورشان از آن چه نشان داده‌اند، بیشتر است، واقعاً این احتمال می‌تواند مقرون به حقیقت باشد. تا این جای جام، دست‌کم سه تیم انگلیس، هلند و پرتغال به شکلی عمل کرده‌اند که به‌نظر می‌رسد فقط برای کسب سه امتیاز در بازی اول به میدان رفته‌اند و گل‌های به موقع نیمه‌اولی‌شان، آنها را به قناعت واداشته و بعد از آن، با ناکامی حریف در نتیجه‌گیری و مساوی کردن بازی، دیگر خودشان را به آب و آتش نزده‌اند. این را در خصوص هلند که گاهی در پایه‌ریزی حملاتش بی‌برنامه یا دچار ضعف اجرایی به‌چشم می‌آمد، با احتیاط بیشتر و اطمینان کمتری می‌گویم؛ ولی انگلیس و به‌ویژه پرتغال، آشکارا داشتند به همان اندازه‌ای که به‌نظر اریکسون و اسکولاری «کافی» بود، انرژی می‌گذاشتند. در مورد هم‌گروه قدر ایران، حتی می‌شد جلوه‌هایی از این گرایش را احساس کرد که مربی می‌خواسته به اصطلاح عامیانه «دست تیمش را رو نکند» و شیوه‌هایی را که با به‌کارگیری کامل‌تر توان تیمی و ظرافت‌های فردی کار بازیکنانش همراه است، برای مسابقات حساس‌تر نگه دارد. این نوع روش‌های صرفه‌جویانه را ما ایرانی‌ها به‌طور کلی و تقریباً عمومی، دوست نداریم؛ ولی ظاهراً بخشی از فوتبال امروز همین نوع «تقسیم اطلاعات» حریفان و ناظران نسبت به بازی هر تیم است: مثل فیلمنامه‌نویس و فیلمسازی که الگوی ساختاری کار را تنظیم و زمان‌بندی می‌کنند و تصمیم می‌گیرند کدام گره را در چه مقطع مهمی از فیلم باز کنند و کدام نکته را تا کجای فیلم نامکشوف و رازآلود باقی بگذارند. مربیان این تیم‌های مرموز دارند میزان دانسته‌های همه را درباره تیم‌شان، کنترل و هدایت می‌کنند. جالب این جاست که تصادفاً بازی «فینال» مانند هر سه تیم در گروه‌شان، به روز آخر افتاده. انگلیس پنجشنبه با ترینیداد و توباگوی جوزده و کم‌خواه بازی می‌کند و اریکسون می‌تواند تا بازی سوم و مهم شاگردانش با هموطنان سوئدی خود، همچنان گره‌گشایی را به تعویق بیندازد و تمام توانش را رو نکند. هلند در نوبت دوم با ساحل عاج روبه‌رو می‌شود که البته سریع و باهوش و زهردار است، ولی بعید نیست فان باستن با تکیه به همان شیوه قناعت‌گرانه، بعد از گلی زودهنگام تیمش را به پنهان کردن روش‌های عمده وادارد تا در فینال چشمگیر مرحله مقدماتی یعنی هلند ـ آرژانتین که درست یک هفته دیگر برگزار می‌شود- به آنها روی بیاورد. پرتغال مرموز هم می‌تواند در بازی با ایران همان‌طور که با آنگولا بازی کرد، بالاخره سه امتیاز ناقابل را بدون لو دادن اصل و اساس کار گروهی‌اش به چنگ بیاورد و بعد به سراغ رقیب اصلی‌اش در گروه یعنی مکزیک پرمدعا برود. سه تیم مثل فیلم‌های مبتنی بر ساختار معمایی که تعلیق و انتظار را تا دقیقه‌های آخر ادامه می‌دهند.

(۲) در واکنش‌های جمع نه چندان پرشماری از اهل فوتبال در قبال علاقه‌ام به آتزوری، هنوز با جلوه‌های عیانی از این حس مواجه می‌شوم که فوتبال ایتالیا که دفاعی است و دوست‌داشتنی نیست و چطور طرفدارش هستی و از این دست حرف‌ها. گفتم که برخلاف مجموعه بسیار پرتعداد آدم‌حسابی‌های ایتالیادوست عرصه‌های مختلف جامعه ما، از مردم عادی و ورزشی‌نویس و سینمایی‌نویس تا روشنفکر و فیلمساز و شاعر و همچنین بسیاری از بانوان فوتبالی و نیمه فوتبالی، این جمع مخالف‌خوان کم‌شمارند. ولی حرف‌شان آن قدر عجیب هست که فارغ از توجه به آمار، ذهنم را به شدت به خود مشغول کند. واقعاً اینها بازی‌های عمده این سال‌ها یا دست‌کم بازی پریشب آتزوری جلوی غنا را ندیدند؟ البته که دفاع تیم ما قدرتمند است و اغلب توپ‌های اول را می‌زند و حتی کاناوارو و نستا یکی دو بار شوت‌ها را با تکل یا مانع شدن از نزدیک، مثل دفاع روی تور در والیبال بلوکه می‌کنند، ولی چطور می‌شود این را مترادف دفاعی بازی کردن گرفت؟ سرعت تونی و جیلاردینو و یاکوئینتا و پاس‌های عمقی و بلند و تند و تیز هافبک‌ها و حتی مدافعان کناری تیم، همیشه دفاع ولنگ و واز و جامانده غنا را می‌شکافت و موقعیت‌های شبه تک به تک خلق می‌کرد؛ ولی آیا این لزوماً به معنای عقب کشیدن و تکیه به ضدحمله است؟ یعنی آنقدر سنتی و کهنه‌ایم که به هر تک به تکی می‌گوییم تاکتیک تدافعی؟! ایتالیا سال‌های سال است که از دفاع کاتاناچیوی معروف دهه‌های قبل و حتی آن فرصت‌طلبی صرف و البته باظرافت و هوشمندانه پائولو روسی‌وار و اسکیلاچی‌وار، فاصله گرفته و این هم ناشی از غنی شدن و تنوع روزافزون شیوه‌های مدرن بازی باشگاه‌ها و بازیکنان دارای قابلیت‌های چندگانه‌اش است؛ نه یک تصمیم آگاهانه و تحمیلی و کودکانه برای به در آمدن از جلوه دفاعی قدیمی که در انظار جهانیان داشت. این شاید تنها تیم جام باشد که حتی یک بازیکن خارج از باشگاه‌های لیگ خودش هم ندارد (صاحبان بقیه لیگ‌های بزرگ دنیا و اروپا مثل اسپانیا و انگلیس و آلمان، دست‌کم یکی دو بازیکن خارج از لیگ مثل فابرگاس و لوئیس گارسیا و دیوید بکام و ینس لمن دارند). اینکه ایتالیا باطراوت و متنوع و همه‌جانبه فوتبال بازی می‌کند و به یک شیوه متکی نیست، از این طرف به این برمی‌گردد که تیم ملی‌اش تیم منتخب لیگ است و می‌تواند تا سه چهار تیم منتخب دیگر هم امتداد پیدا کند و باز در سطح بهترین تیم‌های ملی دنیا باشد و از آن طرف، می‌تواند به این بینجامد که با بازبینی بخشی محدود از شیوه‌های چندگانه بازی‌اش در طول ۹۰ دقیقه، گول بخوریم و بر بقیه بخش‌ها و شیوه‌ها چشم ببندیم و بگوییم دفاعی کار می‌کند. باز تکرار می‌کنم که دفاع مستحکم داشتن آرزوی هر تیمی است و هیچ تیمی را الزاماً به صفت دفاعی منسوب نمی‌کند؛ و عرض می‌کنم که کمی به روز بودن و خروج از آن صفت‌ها و نسبت‌های کهن دهه هفتادی که نه سال به سال، بلکه روز به روز و بازی به بازی در حال تغییر و انعطاف است، می‌تواند ما را به واکنش‌های انسانی‌تری در قبال فوتبال پیچیده امروز برساند.

تیم ملی در گرگ و میش

مگر جام جهانی تمام شده

آرش راهبر، آلمان: برانکو ایوانکوویچ بدون حضور رضا چلنگر روبه‌روی دوربین ایستاد و در حالی که از فرط ناراحتی عرق کرده بود چند دقیقه‌ای در مورد بازی ایران- مکزیک حرف زد. به‌نظر می‌رسید که نگرانی اصلی او مربوط به دقایق بعدی بود که باید روبه‌روی خبرنگاران می‌ایستاد. خبرنگارانی که از مدت‌ها قبل سعی کرده بودند به دور از واقعیت‌های پنهان فضای مناسبی برای موفقیت تیم ملی تصویر کنند و به همه روحیه مبارزه‌طلبی و پیروزی‌خواهی بدهند. در سالن بزرگ کنفرانس خبری برانکو بیشتر اوقات با سرافکندگی پاسخ سئوال‌ها را داد و باز هم بر مدار کلی‌گویی و حرف‌های تکراری حرکت کرد. جالب اینجا بود که خبرنگاران ایرانی به خصوص آنهایی که در این سال‌ها منتقد برانکو بودند تمایلی برای پرسش از سرمربی نشان ندادند و اجازه دادند که خبرنگاران خارجی و ایرانی‌هایی که در رسانه‌های دیگر کشورها فعال هستند سئوال کنند. شاید دلیل اصلی این رفتار هم این بود که آنها دیگر حوصله‌ای برای شنیدن حرف‌های تکراری برانکو نداشتند. در طول کنفرانس خبری پس از بازی هیچ‌کس نپرسید که چرا دایی ۹۰ دقیقه بازی کرد، علی کریمی چطور شد که بازی را ترک کرد و چرا هیچ بازیکن خلاقی در میانه زمین به آندو تیموریان کمک نرساند. همه منتظر بودند که بدانند بر سر تیمی که ۱۴ دقیقه اول بازی را بدون خطا و با کنترل بیشتر توپ و میدان پشت سر گذاشته بود چه آمد. برانکو هم کمکی به حل ماجرا نکرد. او تنها متذکر شد که واقعاً نمی‌داند چه اتفاقی افتاده است. او مسئول یک بخش از نبرد ایران و مکزیک بود و البته مهم‌ترین بخش آن. برانکو گفت که منتظر روش ۳-۴-۳ از سوی مکزیک بوده و بر مبنای سه مهاجم اصلی یعنی براوو، فرانکو و بورگتی دفاع را چیده است اما به این موضوع اشاره‌ای نکرد که چرا بعد از تعویض‌های موثر لاوولپه ترفندی برای موفقیت نیافت. تعویض‌های ابتدای نیمه دوم نشان داد که مکزیک از نتیجه ناراضی است و باید روی مهره‌های ناکارآمد قلم کشید حتی اگر بورگتی باشد. اما در تیم ایران مهره‌های ناموفق هرگز تغییر نکردند. در کنفرانس مطبوعاتی البته جای فخرالدین بگوویچ هم خالی بود که از عملکرد شاگرد دیرینش دفاع کند. میرزاپور روی گل دوم دو بار اشتباه کرد؛ یکی اینکه در ارسال توپ بلند مثل همیشه ناشیانه عمل کرد و دوم در موقع تک‌به‌تک شدن به جای باز شدن و بستن زاویه مهاجم مکزیکی خودش را جمع کرد و تلوتلو خورد تا واکنش بعدی اثر هم بی‌ثمر باشد.

برانکو بعد از پایان کنفرانس حتی حال خوش‌وبش کردن با گرداننده جلسه را هم نداشت و با کندی صندلی‌اش را ترک کرد.

■■■

بیرون از استادیوم مکزیکی‌ها کارناوالی از شادمانی به راه انداخته بودند. آنها دو مرکز مجهز به امکانات پذیرایی و پخش موسیقی را از صبح بازی راه انداخته بودند و همه‌چیز را برای پایکوبی فراهم کرده بودند. مکزیکی‌ها درست مثل حضور در ورزشگاه منسجم و یکپارچه بودند. انسجامی که پیدا بود از ماه‌ها قبل برای آن برنامه‌ریزی شده بود. هواداران بی‌شمار مکزیکی از یک روز پیش از بازی کارشان را شروع کردند. مقامات فدراسیون مکزیک با اطلاع از حضور گسترده هواداران در نورنبرگ اعضای تیم ملی را پس از فرود در فرودگاه شهر به سمت ایستگاه قطار هدایت کردند تا بازیکنان درست مثل مردم عادی از کوپه‌های سرخ‌رنگ ترن بیرون بیایند و این فرصت را به هواداران بدهند که از نزدیک آنها را ببینند. شور مکزیکی‌ها در شهر هم تسری پیدا کرده بود و آنها همگی با لباس‌های یک‌دست و پرچم‌های بی‌شمار در مرکز نورنبرگ رژه می‌رفتند، در حالی که هواداران ایرانی به دنبال راهی برای تهیه بلیت بازی می‌گشتند. ایرانی‌ها در نزدیکی هتل هیلتون تصور می‌کردند که می‌توانند با کمک فدراسیون مجوز حضور در فرانکن اشتادیون را بگیرند اما در هتل هیلتون کسی نبود که راهنمایی‌شان کند. هتل تیم ملی صحنه قهر و آشتی بعضی از بازیکنان و از همه مهمتر علی‌آبادی و دادکان بود. هر وقت دادکان به سمت لابی سرازیر می‌شد، علی‌آبادی آنجا را ترک می‌کرد و زمانی که خبر می‌رسید علی‌آبادی اتاقش را ترک کرده، دادکان هم از لابی می‌رفت. این ناهماهنگی و گسست در بین هواداران هم مشاهده شد. در حالی که مکزیکی‌ها بیشتر بلیت‌های نزدیک به هم را حتی با قیمت چند برابر می‌خریدند، بعضی از ایرانیان صندلی‌های خود را به هواداران حریف واگذار کردند. متاسفانه در بین فروشندگان بلیت حتی ردپای بعضی از خبرنگاران و مقامات هم دیده می‌شد.

■■■

اتوبوس حامل خبرنگاران در تیرگی شب پیش می‌رفت. کمتر کسی دل و دماغ حرف زدن و شوخی کردن داشت و اگر هم بحثی در می‌گرفت درباره اتفاقات بازی و اشتباهات تیم ملی بود. بعضی‌ها می‌گفتند که بعد از بازی با پرتغال به تهران برمی‌گردند و دیگر حوصله چنین وضعی را ندارند. بقیه هم به شدت روحیه‌شان را باخته بودند و آرزوهایشان را بر باد می‌دیدند. می‌شد تصور کرد که چنین حالی را بازیکنان تیم ملی هم داشته باشند. آنها چند روز دیگر با سخت‌ترین حریف گروه مسابقه می‌دهند اما خیلی اخبار امیدوارکننده‌ای از اردو به گوش نمی‌رسد. قاعدتاً شکست در برابر مکزیک به اختلافات پنهان بعضی از بازیکنان دامن زده است. اما با وجود این، یک اتفاق بزرگ ممکن است اوضاع را بهتر کند. غیبت علی دایی در بازی شنبه شاید آن لحظه موعودی باشد که خیلی‌ها منتظرش بوده‌اند: اگر برانکو بتواند تیم ملی را به تورنمنت بازگرداند. اینجا وقتی از شرایط تهران حرف می‌زنند، از خود سئوال می‌کنیم مگر جام جهانی تمام شده که این‌طور همه چیز مکدر و ناراحت‌کننده است؟ ما «حداقل» دو بازی دیگر در جام جهانی پیش رو داریم که موفقیت در آنها برای برپایی باور نکردنی‌ترین جشن‌های ملی تاریخ کافی است!

آن عداوت کهنه

پس از تساوی ناامیدکننده و سئوال‌برانگیز سوئد در برابر T&T بحران و تنش در اردوی این تیم سایه افکنده... داستان درگیری و دعوای دو تن از قدیمی‌های این کشور یعنی فردی لیونبرگ و کاپیتان این تیم اولف ملبرگ روز گذشته سوژه روز صفحه ورزشی رسانه‌ها و وب‌سایت‌های اروپا بود. درگیری این دو مهره کلیدی سوئدی‌ها پس از مسابقه نخست تیمشان یادآور آن دعوا و تنش این دو در چهار سال پیش و در جام جهانی ۲۰۰۲ بود. در آن سناریو این دو در یک دیدار تمرینی که برای آماده‌سازی در کوران جام جهانی کره و ژاپن صورت می‌گرفت با هم درگیر شدند. وقتی اولف ملبرگ قصد داشت برای متوقف ساختن ستاره آرسنال حرکتی انجام دهد با یک تکل خشن و بسیار خطرناک او را سرنگون کرد که البته با واکنش منفی و شدید هم‌تیمی قدیمی‌اش مواجه شد. می‌گویند این بار نیز در آلمان چنین سناریویی تکرار شده است. اما مقامات فوتبال این کشور ساکن در آلمان هر گونه درگیری فیزیکی را انکار می‌کنند. یکی از افراد نزدیک به اردوی این کشور در آلمان ادعا می‌کند: «خب... ! دعوای خاصی نبود. اصلاً خبری از دعوای فیزیکی نبود. یک بحث و جدل کوچک که البته هر چند کوتاه بود ولی چندان صورت ملایمی نداشت. این یک شرایط خاص در اردو و رختکن تیم ملی است. موضوعی کاملاً جدی... شرایطی سخت که بازیکنان را تحت فشار قرار می‌دهد. تعدادی از همین بازیکنان که دو نفر از آنها اولف ملبرگ و فردی لیونبرگ بودند تحت‌تاثیر همین اوضاع نه‌چندان آرام با هم دچار برخورد لفظی شدند.» شرایط برای سوئدی‌ها اصلاً امیدوارکننده نیست. حواشی وحشتناکی که نشأت گرفته از عملکرد انتقادآمیز این تیم در بازی‌های تدارکاتی پیش از جام بود تصویری منفی از این تیم را از چشم مردم این کشور بر جای گذاشته بود. تا اینکه آن تساوی حیرت‌انگیز و تحقیرکننده برابر T&T این انتقادات و شکایات را به اوج خود کشاند.

حضور رائول در هاله‌ای از ابهام

لوئیز آراگونس در همان شنبه صبح وقتی تیمش را برای «برنامه تمرینی» به محل انجام آن فرستاد دستش را رو کرد. براساس تحلیل‌ها و شواهد موجود، اگر در ادامه تمرین‌های لاسلکسیون اتفاق خاصی رخ ندهد کاپیتان افسانه‌ای ماتادورها باید آماده حضور بر نیمکت ورزشگاه لاپیزیک برای بازی با اوکراین باشد. او که ماه‌ها به واسطه مصدومیت شدید زانو پایش دچار مصدومیت شده بود فصل ناامیدکننده‌ای را با مادرید پشت سر گذاشت. از طرفی داوید ویا و فرناندو تورس که در تمرین‌ها آماده و سرحال نشان داده‌اند گزینه‌های اصلی حضور در خط آتش لاسلکسیون هستند. چنین تصمیمی از سوی آراگونس می‌تواند سر و صدای زیادی را در مطبوعات ورزشی اسپانیا به پا کند. اسپانیا بیش از ۲۰ مسابقه را بدون شکست پشت سر نهاده و چنین کارنامه‌ای می‌تواند موجب افزایش توان روحی و روانی شاگردان آراگونس شود. از سویی دیگر با مصدومیت اسیر دل هورنو و حذف او از اردوی تیم ملی اسپانیا، رقابت اصلی در سمت چپ خط دفاعی میان مانوئل پرنیا آرژانتینی و آنتونیو لوپز است. گفتنی است مارکوس سنا احتمالاً در کنار ژاوی و ژابی آلونسو در خط میانی قرار خواهد گرفت.

بنا به گفته پزشک اسپانیا خنارو بوراس رائول از لحاظ جسمی و بدنی مشکل خاصی ندارد. او می‌تواند در صورت صلاحدید آراگونس در ترکیب اصلی تیم ملی حاضر باشد اما آنچه که مهم تلقی می‌شود این است که آراگونس چندان حسابی به آمادگی رائول باز نکرده است. اسپانیا باید در برابر نیرومندترین رقیب گروهش یعنی اوکراین نتیجه‌ای قابل قبول بگیرد چرا که در صورت کوچکترین لغزش آنگاه سناریو ادوار گذشته برای آنها تکرار خواهد شد!

آماده‌ام و کمی هم هیجان‌زده

سسک فابرگاس فصل بی‌نظیر و به‌یادماندنی را در قالب یک آرسنالی پشت سر نهاد. او به همراه توپچی‌ها-خصوصاً در لیگ قهرمانان- شب‌های حیرت‌انگیز و پرفروغ بسیاری را در برابر غول‌های این قاره تجربه کرد. پسر ۱۸ ساله و کاتالونیایی «لاسلکسیون» به مدد چنین اعتباری که از بازی‌های خوبش در انگلستان تصاحب کرده، زودتر از حد انتظار به ترکیب ماتادورها راه یافت. او به تیم ملی دعوت شد تا یکی از سلاح‌های قابل اتکای لوئیس آراگونس باشد. این در حالی است که پیرمرد اسپانیایی بارها اعلام کرده که حساب ویژه‌ای بر روی توانایی‌ها و بازی‌سازی فابرگاس باز کرده است. فابرگاس در مصاحبه اختصاصی‌اش با روزنامه مادریدی آس با چنین جملاتی به استقبال خبرنگار روزنامه می‌رود: «جام جهانی یک اتفاق ویژه است. وقتی یک ملی‌پوش هستید و به عنوان یک فوتبالیست ملی در چنین پیکار شکوهمندی بازی می‌کنید سعی می‌کنید تا در برابر مشکلات و حواشی جزیی که گهگاه به سراغتان می‌آید استوار باشید. در چنین تورنمنت‌هایی یکی پس از دیگری مشکلات و رخدادهای غیرقابل پیش‌بینی به طرف‌تان سرازیر می‌شود که باید آنان را کنار بزنید. اوضاع و فضای فوتبال در سطح باشگاهی بسیار متفاوت است با اوضاع و شرایط فوتبال در رده ملی! وقتی در یک باشگاه بازی می‌کنید هر هفته مهمترین نکته برایتان این است که آیا سرمربی شما را در لیست اصلی و ۱۱ نفره جای خواهد داد یا خیر؟ این هدف غایی شماست که در ترکیب ثابت جای بگیرید. اما وقتی در هیئت یک ملی‌پوش به فوتبال ملی می‌آیید برایتان تنها موفقیت و کامیابی مجموعه و کشورتان اهمیت دارد. سعی می‌کنید با دیگر بازیکنان هماهنگ شوید و متحد و یک‌سو به سمت پیروزی قدم بردارید.» این روزها و چنین ساعاتی برای سسک فابرگاس پرشور و لبریز از استعداد و توانایی لحظاتی است بسیار هیجان‌انگیز... هیجان‌انگیز بدان جهت که او دیر یا زود نخستین بازی‌اش را در جام جهانی انجام خواهد داد. این می‌تواند برای او یکی از خاطره‌انگیزترین لحظات در زندگی‌اش باشد: «بله! می‌دانم که این اتفاق خواهد افتاد. مجموعه ما بسیار هجومی و آماده است. این «اسپانیا» توانایی حیرت‌انگیزی در برنامه‌های هجومی دارد و این می‌تواند برای منی که از بچگی شیفته فوتبال هجومی هستم ایده‌آل باشد.»

«وین» و معجزه الهی

«وین رونی را در برابر ترینیداد و توباگو خواهیم دید!؟» چنین جمله‌ای امروز در میان مردم فوتبال‌دوست و شیفته تیم ملی کشورشان دهان به دهان پیچید. پس از نمایش ضعیف و غیرقابل دفاع شاگردان اسون گوران اریکسون در برابر پاراگوئه، عدم حضور وین رونی بیش از هر برهه‌ای احساس می‌شد و بسیاری از مردم این کشور و نیز نویسندگان ورزشی بسان کوین مک‌گامارا، هنری وینتر و برایان گلنویل از نبود مهاجمی گلزن و تعیین‌کننده آن هم در شرایطی که مایکل اوون در فصل اخیر کمترین حضور را در تینساید داشته و آمادگی ایده‌آلی ندارد سخن به میان می‌آوردند. در چنین قابی وقتی عملکرد هجومی انگلستان و آهنگ تیمی بازیکنان این کشور به قدری سئوال‌برانگیز است که هواداران انگلستان در استادیوم فرانکفورت را مجبور به سر دادن شعار «رونی‌رونی» می‌کند آنگاه اریکسون نیز نمی‌تواند نسبت به حضور و یا عدم حضور آس تیمش بی‌اعتنا باشد. سرمربی سوئدی بریتانیایی‌ها که اکنون در این قاب در سخت‌ترین شرایط کاری‌اش در این جزیره به سر می‌برد در خصوص رونی می‌گوید: «برای ما بررسی و کنکاش وضعیت جسمی و بدنی وین آن هم به گونه‌ای منظم و همه‌روزه در اولویت کارهایمان قرار داشت. هیچکس از اینکه چنین فوق‌ستاره‌ای در تیمش باشد و از او نتواند بهره ببرد شادمان نیست. من وقتی درمی‌یابم که تیمم در راه رسیدن به هدفش دچار مشکل می‌شود سعی می‌کنم یک راه میان‌بر برای حصول به خواسته‌ام پیدا کنم.» عکسبرداری اخیر از پای راست ستاره بی‌بدیل جزیره حکایت از آن دارد که او در نوار بهبودی قدم برمی‌دارد. اما نکته‌ای که در این میان شیرین می‌نماید این است که هر چه زمزمه حضور وین رونی در بازی دوم انگلستان در مرحله گروهی برابر Soca Warriors نه فقط برای مردم این کشور که برای تمام فوتبال‌دوستان دنیا شیرین است به همین اندازه برای سرالکس فرگوسن نفرت‌انگیز و غیرقابل تحمل! هرچند اریکسون مدعی شده که هیچ‌گاه از طرف هم‌قطار اسکاتلندی‌اش مورد عتاب و انتقاد قرار نگرفته است. اریکسون در پایان در خصوص مایکل اوون کسی که به سبب مصدومیت استخوان متاتارسال در عصر نخستین روز سال ۲۰۰۶ ماه‌ها خانه‌نشین شد صحبت می‌کند. درباره کسی که در برابر پاراگوئه کمی مایوس‌کننده نشان داد. «یقین دارم مایکل بازی به بازی بهتر خواهد شد. باید این واقعیت را قبول کرد که او مدت‌ها از میادین دور بود.»

کلوپ هواداران

تیم ملی سوژه روز

■ بازی خوبی نبود. سرمربی در تعویض علی کریمی اشتباه بزرگی مرتکب شد. در عوض می‌بایستی در خط حمله در نیمه دوم علی دایی را عوض می‌کرد زیرا علی دایی منفعل بازی می‌کرد و در دروازه حریف هیچ خطری ایجاد نمی‌کرد. هافبک میانی نقش مهمی در چرخش بازی دارد و این نقش به‌خوبی می‌توانست از عهده علی کریمی برآید. در دفاع اشتباه به آن بزرگی غیرقابل پوزش است و خط میانی همچنین در ایجاد آرامش سیستم دفاعی ایران نقش موثری را دارد. در مجموع مکزیک با فرصت‌طلبی از اشتباه فاحش ایران در خط دفاع و منفعل بودن خط حمله و ضعف خط میانی موفق شد در نیمه دوم دو گل به ایران بزند. مکزیک در رویارویی با آنگولا و پرتغال مشکل بزرگی دارد و همچنین ایران.

محمد - کپنهاگ

■ روحیه پایین و بازی دفاعی، دستپاچگی، خستگی و سن بالای بازیکنان و تاکتیک بد مربی عوامل شکست در این بازی و مسلماً بازی‌های بعدی.

سینا ـ اصفهان

■ ما هیچ‌گاه از تجربه‌های گذشته پند نمی‌گیریم. هر بار که تیم ایران به حالت دفاعی رفت، شکست خورد در حالی که بهترین دفاع حمله است. به هر حال مربی تیم ملی اشتباه تاکتیکی فاحشی را مرتکب شد و تیم ایران را از یک پیروزی شیرین محروم کرد.

عرفان - یونان جزیره کرت

■ من مساوی پیش‌بینی کرده بودم و تا دقایق آخر داشت همین می‌شد ولی با تغییر تاکتیک از حمله به دفاع یک گل ناحق خوردیم و بازیکنان برای جبران به هرج و مرج افتادند و هر که تلاش می‌کرد خودش گلی بکارد و قهرمان شود و این سبب به هم ریختگی و آشفتگی سیستم طرح شده بود و کار را برای حریف ساده کرد و سومین گل را نوش جان کردیم. به هر صورت اسمش بازیه... و همیشه تقصیر باید گردن یکی بیفته دیگه، دیوار هرکی کوتاه‌تر باشه می‌اندازیم گردن اون.

صبوری قزوینی ـ تهران

■ باید گفت تیم ما احتیاج به افراد جوان‌تر دارد. دایی و از این قبیل باید با احترام جای خود را به جوان‌ترها بدهند.

مهراب ـ دوبلین

■ بزرگترین انتقاد من از بازی فوق‌العاده ضعیف علی دایی است. در گل اول بازی علی دایی با جای‌گیری اشتباه باعث شد که آفساید عمر براوو پر شود و در تمامی زمان بازی کوچکترین حرکت مثبتی از علی دایی دیده نشد حتی در دقایق پایانی بازی نتوانست با ضربه سر از توپ ارسال شده استفاده کند. حال سئوال من این است از تیمی که ۹۰ دقیقه ۱۰ نفره بازی کند از این بیشتر توقع دارید؟

مهران - تهران

■ علی دایی تا کی می‌خواهد در تیم ملی بازی کند. تیم ملی ما در این مسابقه ده نفره بازی کرد... علی دایی حتی نمی‌توانست به علت چاقی و سن بالا بدود. هر بازیکنی اگر به‌جای علی دایی در نقش نوک حمله بازی می‌کرد حداقل یک گل می‌توانست به مکزیک بزند.

حسین - تهران

■ بازی تیم ایران، ضعیف بود زیرا شجاعت کافی نداشتند و اشتباه بزرگ دروازه‌بان ایرانی دروازه ایران را برای بار دوم باز کرد.

بصیر- کابل

■ به نظر من کلیه زمین فوتبال‌ها در ایران را شخم بزنیم و سیب‌زمینی بکاریم عایدی بهتری خواهد داشت.

قدرت‌الله ـ نوشهر

■ با درود. مشکلات تیم ۱- مثل همیشه ابراهیم میرزاپور ۲- مثل همیشه محمد نصرتی ۳- مثل همیشه از دست دادن روحیه در دقایق آخر ۴- مثل همیشه ۱۰ نفره بودن به خاطر اصرار بر حضور علی دایی ۵- نداشتن برنامه تعویض.

مرتضی- تهران

■ تیم ایران نیمه دوم را به افکار مربی خود باخت! از مربی که جرأت تعویض علی دایی را نداشته باشد، جز این انتظاری نمی‌رفت. تیم ایران باید در نیمه دوم با تعویض در خط میانی و حمله، تحرک بیشتری پیدا می‌کرد. همین طور در حفظ توپ درست عمل نکرد.

جعفر - تهران

■ ایران باخت فقط به خاطر مربی. رفتن توی لاک دفاعی نتیجه‌ای بهتر از این نمی‌تونست داشته باشه، با این دفاع و دروازه‌بان ایران نیاز به یک مربی شجاع دارد.

با لاج - چابهار

■ اگر و تنها اگر شجاعی، عنایتی یا حتی کاظمیان جای دایی بودند ما می‌بردیم.

آرش - ایران

■ مکزیکی‌ها حسابی ترسیده بودند ولی خصوصیت یک تیم حرفه‌ای این است که هرگز ناامید نمی‌شود و اگر ده بار هم از طرف راست خودشان حمله کردند نتیجه نگرفتند مطمئن بودند که ممکن است یازدهمین بار نتیجه بگیرند که گرفتند. نظم تیمی و سازمان حاکم بر مکزیک خوب بود و همین باعث شد که لحظه‌ای غفلت ما کار خود را بکند و تیم مکزیک کار تیم ایران را تمام کند آن هم در چند دقیقه!

رضا ـ کاشان

■ تیم ایران در بازی امروز با داشتن این طرز فکر مکزیک یا هر تیم دیگری را شکست می‌دهد: اینجا ایران است، هنوز به جام جهانی صعود نکرده‌ایم. برد در این بازی امروز باعث صعود ما به جام جهانی می‌شود. ۸۰ میلیون ایرانی منتظرند.

حمید - آلمان